

کارگران سراسر جهان
متحد شوید!



سلام سوسیالیسم

ویژه نامه روز جهانی کارگر، اردیبهشت ۱۳۸۶

<http://Salam-Socialism.Blogfa.Com>

فرخنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر

بیانیه جمعی از جوانان و دانشجویان سوسیالیست
به مناسبت روز جهانی کارگر
صفحه ۳

اول ماه مه و خواست‌های کارگران ایران
صفحه ۴

نگاهی کوتاه به تاریخ
روز جهانی کارگر
صفحه ۵

دو شعر برای تبریک روز جهانی کارگر
صفحه ۶

چپ و کارگران فکری
صفحه ۷

گزارشی از
گلگشت کارگری آبشار خور
صفحه ۸



شادباش «سلام سوسیالیسم» به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه

آمده‌ایم که بمانیم!

گذشت سال‌ها روشن و عیان نشان داده است که «خانه کارگر» به مثابه یک تشکل وابسته به حاکمیت سیاسی - که در مجموع خود راست به حساب می‌آید - نمی‌تواند نماینده منافع، مطالبات و مبارزه طبقه کارگر ایران باشد.

مبارزات محدود و نوپای سندیکاها و تشکل‌های صنفی در سال‌های اخیر (از جمله مبارزات سندیکای کارگران شرکت واحد و کانون‌های صنفی معلمان) نشان داده است، در صورتیکه نمایندگان کارگران از جنس خود آنان باشند، این مبارزات بسیار ثمر بخش و موفقیت‌آمیز است.

سندیکای کارگران شرکت واحد و کانون‌های صنفی معلمان در مدت کوتاه فعالیت خود توانسته اند حتی زیر فشار بازداشت و سرکوب و اخراج، مطالبات کارگران و معلمان را پیش ببرند. اما «خانه کارگر» با همه (ادامه در صفحه ۲)

صلح، آزادی، عدالت اجتماعی!

ادامه از «آمده ایم که بمانیم»...

دامنه عمل قانونی و علنی که دارد و با همه امکاناتی که در اختیار دارد در هیچ یک از زمینه‌های مبارزاتی سالهای اخیر نتوانسته منافع حداقلی طبقه کارگر ایران را تامین کند. در جهت‌گیری سیاست‌های نئولیبرالیستی و تعدیل اقتصادی از ابتدای دهه هفتاد، در یورش‌ها به اصول مترقی قانون کار و قانون اساسی و در خصوصی‌سازی‌هایی که تاکنون ده‌ها هزار نفر از کارگران را بیکار کرده است و به تولید ضربه زده است خانه کارگر هیچگاه نقش تعیین کننده‌ای نداشته است و بسیاری وقت‌ها درست خلاف منافع و خواسته‌های کارگران موضع گرفته است. بر تشکلهای مستقل شوریده است و پیش از نیروهای رسمی سرکوب دست به چوب و چاقو برده است.

متأسفانه پس از گذشت ۲۸ سال از انقلاب بهمن ۵۷، نظام سیاسی ایران بیش از همیشه با گردش به راست نطفه اضمحلال و نابودی را در خود بارور کرده است. ادامه دادن جنگ پس از فتح خرمشهر که تنها منافع امپریالیسم را تامین می‌کرد، روی برگرداندن از جامعه و فرمانبرداری از نهادهای وابسته به انحصارات امپریالیستی از جمله بانک جهانی، ضربه زدن به تولید و سازمان‌های تولیدی و ... همه

سیاست‌هایی ضد ملی و وابسته بوده اند که در این سال‌ها پی گرفته می‌شدند.

اگر آرمان‌های انقلاب ۵۷ به طور کلی در رهایی سیاسی و اقتصادی از وابستگی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و عدالت اجتماعی خلاصه می‌شد، می‌توان گفت که ضد انقلابی‌گری پس از این انقلاب عبارت است از: پیش بردن خط وابستگی، سرکوب سیاسی و اجتماعی و غارت در چارچوب مناسبات رانتی و سرمایه‌داری.

در واقع هم سرنوشت انقلاب ما چیزی جز این نمی‌توانست باشد. چرخش به راست یعنی ضربه به چپ و چرخش به چپ یعنی مقابله با راست. نمی‌توان هم این بود و هم آن. نظام سیاسی حاصل از انقلاب نیز در دوراهی چپ و راست، ملی‌گرایی و وابستگی، دموکراسی و دیکتاتوری، عدالت و غارت قدم در راه ضدانقلابی‌گری، راه راست، راه وابستگی و دیکتاتوری و سرمایه‌داری گذاشت و به آنجا رسید که امروز می‌بینیم: دولتی بر سرکار است که ضدانقلاب مجسم است.

«خانه کارگر» نیز در این چرخش به راست حاکمیت دو راه در پیش رو نداشته و ندارد: یا باید هر چه بیشتر وابسته به این حاکمیت باشد و در نتیجه هر چه بیشتر ضدانقلابی‌گری از خود نشان بدهد و یا کم یا بیش به جامعه کارگری ایران که خواهان اقتصاد ملی، حاکمیت دموکرات و مناسبات عدالت‌گرایانه است نزدیک شود و در نتیجه از حاکمیت فاصله بگیرد.

بر این اساس است که تشکلهای کارگری و صنفی که سال‌ها «حکومتی» به حساب می‌آمده اند و مورد حمایت حاکمیت نیز بوده اند، با تهاجم هر چه بیشتر حاکمیت به حقوق کارگران، «بستر» روی آوردن به جامعه کارگری را بیشتر در خود تجربه می‌کنند. در برابر این تغییر و تحولات گاه حاکمیت سعی در محدود کردن دامنه عمل این تشکلهای و تحت فشار گذاشتن آن‌ها داشته است (مانند رفتار

دولت احمدی نژاد با خانه کارگر) و گاه که با تشکلی روبرو شده است که در مقام دفاع جانانه و عمیق از حقوق مزدبگیران برآمده سرکوب را سرلوحه عمل خود قرار داده و از هیچ اقدام وحشیانه‌ای فروگذار نکرده است.

بحران در ذات حاکمیت امروزی جمهوری اسلامی است. ایشان نمی‌توانند از یکسو چوب حراج به سرمایه‌های ملی بزنند، صنایع مادر و دارایی‌های ایرانیان را غارت کنند، ده‌ها هزار نفر کارگر را بیکار کنند، طرح تغییر قوانین را برای استثمار هرچه بیشتر

کارگران ارائه بدهند و انتظار آرامش از سوی جامعه کارگری ایران داشته باشند.

نمی‌توانند هرچه بیشتر از مردم سلب حاکمیت کنند و انتظار قانون-مداری داشته باشند. هر اندازه گردش به راست در حاکمیت قوت بگیرد، همان اندازه جامعه ایران آمادگی بیشتری برای پذیرش جنبش چپ پیدا می‌کند.

همواره رسانه‌های سیستم سرمایه داری سوسیالیسم را مدافع جنگ در درون جوامع دانسته اند. سوسیالیستها را مخل زندگی مسالمت آمیز مردمان دانسته اند. مارکسیستها ضمن تبیین تضادهای طبقاتی موجود در جوامع طبقاتی بر خلاف آنچه اینان تکرار می‌کنند، خواهان تخفیف و در نهایت حل تضادها هستند. اما مساله این است که تضادها «وجود دارند» و در نظام سرمایه شدت می‌گیرند. نبردها «وجود دارند» و انکار این واقعیت یعنی آب ریختن در آسیاب طبقه‌ای که مسلط و حاکم و بهره کش است.

ادامه در صفحه بعد



بیانیه جمعی از جوانان و دانشجویان

سوسیالیست

به مناسبت اول ماه می

به هر سو که نگاه می‌اندازیم اضطراب و نگرانی در میان مردم موج می‌زند. نگرانی از امروزی تنیده شده در مشکلات طاقت فرسای روزمره و آینده‌ای نامعلوم زندگی‌ها را به مخاطره انداخته است. زندگی زحمتکشان میهن ما را سخت‌ترین ناملایمات و ناهنجاری‌ها در معرض آسیب و فروپاشی قرار داده‌اند. سرکوب نیروهای مترقی و عدالت خواه و نشنیدن صدای مردم و جلوگیری از ایجاد تشکل‌های مردمی و در حقیقت جلوگیری از سازمان‌یابی توده‌های نامتشکل زحمتکشان مطابق خواسته‌ها و نیازهای خود جلوه‌ای از ماهیت غیردموکراتیک جمهوری اسلامی است. حکومت جمهوری اسلامی که با سرکوب تمامی نیروهای انقلابی در طول تاریخ خود ماهیت ضدانقلابی خویش را نمایان کرده امروز نیز در ادامه سیاست‌های سرکوبگرانه، شرایطی را به زحمتکشان تحمیل کرده است که هر وجدان آگاهی را به اعتراض فرا می‌خواند. واگذاری‌های راهزانه و خصوصی‌سازی اموال و دارائی‌های عمومی در راستای سیاست‌های نئولیبرالیستی و اوامر بانک جهانی نتیجه‌ای جز ویرانی هرچه بیشتر صنعت و عمیق‌تر کردن فاصله طبقاتی ندارد. در این برهه از تاریخ که منافع زحمتکشان در غیاب نیروهای مردمی توسط حاکمیت جمهوری اسلامی به خطرناکترین شکل بازیچه شده است ما به عنوان جمعی از دانشجویان و جوانان سوسیالیست در ایران با درک شرایط ویژه ایران و خطر دست‌اندازی‌های امپریالیسم جهانی و با توجه به اینکه امپریالیسم هدفی جز تکمیل نقشه‌های شوم انحصارات جهانی پس از فروپاشی کشور شوراها و تکمیل نقشه‌های تجاوز طلبانه نظام سلطه جهانی ندارد، همیاری حکومت جمهوری اسلامی به پیشبرد سیاست‌های جنگ طلبانه امپریالیستی چه در سطح داخلی و چه در سطح جهانی را محکوم می‌کنیم و با تاکید بر ماهیت صلح طلب نیروهای طرفدار سوسیالیسم علمی، با پافشاری بر جانب‌داری از منافع زحمتکشان و همراهی با طبقه کارگر در رسیدن به خواسته‌های خود بر این نکته تاکید می‌کنیم که جنگ و سیاست‌های جنگ جوانانه تنها در جهت حفظ منافع و ادامه سلطه ویرانگر سرمایه‌داریست که گاه این سلطه به وسیله حکومت‌های غیر

ادامه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

خانه کارگر» نیز زیر پوشش شعارهایی که از دوران طلایی و کوتاه پس از انقلاب ۵۷ به جا مانده، در واقع این تضاد را به نفع مناسبات سرمایه‌داری استتار می‌کند. به طور کلی به نظر ما آنچه که امروز باید در دستور کار قرار بگیرد عبارت است از:

۱- تلاش در جهت ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و حمایت با تمام توان از تشکل‌های موجود و مبارزات آنها. به قول شاعر سوسیالیست ایران، ابولقاسم لاهوتی، «چاره‌ی رنجبران وحدت و تشکیلات است». تنها در چارچوب تشکل‌های مستقل سندیکایی و صنفی است که مبارزات طبقه کارگر ایران می‌تواند از مرحله غر زدن به مرحله تحقق مطالبات و تغییر مناسبات فرا رود و تنها در چارچوب این تشکل‌هاست که وحدت طبقه کارگر می‌تواند حول مطالبات و مبارزات عینی تبلور یابد.

۲- تلاش در جهت استفاده از تشکل‌های کارگری و صنفی موجود و قانونی. این تلاش به طور کلی عبارت است از تفویض مسوولیت در این تشکل‌ها به نمایندگان صادق مزدبگیران و تاثیرگذاری بر فعالین سندیکایی و صنفی در جهت تبعیت آنان از مطالبات بدنه. وابستگی این تشکل‌ها به حاکمیت و قانونی بودن فعالیت آنان نباید موجب شود که تلاش در جهت ایجاد تغییر و تحول مترقی در آنان متوقف شود.

۳- تلاش در جهت ایجاد همبستگی بین نهادهای سندیکایی و صنفی با یکدیگر، بین نهادهای کارگری و صنفی با جنبش‌های دانشجویی و زنان و بین جنبش‌های اجتماعی در ایران با جنبش سوسیالیستی و دموکراتیک در سراسر جهان.

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، فرصت مناسبی است برای برافراشته شدن پرچم مرحله نوینی از مبارزه کارگران در ایران. فرصت مناسبی برای اعلام این واقعیت که: این جنبش قصد ایستادن و به عقب رفتن ندارد. این جنبش قصد کشته شدن و خفه شدن ندارد. این جنبش آمده است تا بماند.

«سلام سوسیالیسم» فرارسیدن اول ماه مه را به همه مزدبگیران در ایران و جهان شادباش می‌گوید و برای جنبش کارگران در ایران و جهان آرزوی پیروزی و بهروزی دارد.

پیش بسوی صلح، آزادی، عدالت اجتماعی!

استوار باد پیوند های انقلابی در سراسر جهان!

گسسته باد زنجیر ستم بر دست کارگران!

سلام سوسیالیسم!

چاره‌ی رنجبران وحدت و تشکیلات است!

اول ماه می روز جهانی کارگر

و

خواست های کارگران ایران

«خروش»

سالگرد اول ماه مه روز جشن و روز جهانی کارگران جهان امسال در کشور ما در شرایطی دیگر برگزار می شود. در شرایط نگرانی و ترس ترس از بیکاری. این ترس شاید سالهاست که طبقه کارگر ایران را تهدید می کند اما امسال با بالا گرفتن بحث خصوصی سازی این نگرانی هرچه بیشتر شده است. این سخن جدیدی نیست که سرمایه داران ایرانی هیچ علاقه‌ای به کار صنعتی ندارند. سرمایه داری در ایران از بدو ورود آن به این سرزمین در شکل تجاری پا به عرصه وجود گذاشت. وجود درآمدهای نفت توان خرید ایرانیان را افزایش داد و سرمایه داری تجاری از این ثروت ملی که باید در خدمت آبادی و بهبود زندگانی همه‌ی مردم ایران قرار می‌گرفت در جهت بسط و گسترش و پر کردن کیسه‌های ویل خود بهره گرفت و اینک که خود را به اندازه کافی ثروتمند و قدرتمند می‌یابد چشم طمع به حاصل دسترنج و کار نسل‌های متمادی مردم زحمتکش این آب و خاک دوخته است.

طرح خصوصی‌سازی اموال ملی، طرح تاراج این اموال است. مدافعان این طرح باید پیش از هر چیزی به این سوال پاسخ گویند که سرمایه داران به چه دلیلی بجای آنکه ثروت‌های خود را صرف ساختن کارخانه و مراکز صنعتی کنند می‌خواهند این پول‌ها را صرف خرید کارخانجات دولتی کنند؟ این در حالی است که مسوولان مربوطه در بوق و کرنا می‌دمند که انواع و اقسام کمک‌ها را به «کارآفرینان» هدیه می‌کنند. خواستاران خرید اموال ملی چه کسانی هستند؟ ثروت-هایشان را از کجا آورده اند؟ چرا ۲۸ سال پس از انقلاب هنوز کارگران باید با حقوق بخور و نمیر زندگی کنند؟ چه شد وعده‌هایی که در آغاز انقلاب داده می‌شد؟ آنانی که هیچ سخنرانی‌ای را بدون نام مستضعفان آغاز نمی‌کردند امروز در مقابل فقر گسترده زحمتکش ایران و بیکاری میلیون‌ها جوان ایرانی چه جوابی برای آنان دارند؟ چرا دیگر کسی سخنی از کاخ‌ها و کوخ‌ها نمی‌زند؟ آیا همه آنهايي که با این شعارها بر مسند قدرت نشسته اند امروز کاخ نشین شده‌اند؟

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز پاسخ‌گویی به این سوال و هزاران پرسش دیگر است. با گرمی‌داشت این روز آزادی و برابری را با بانگ بلند در همه جای ایران فریاد بزنیم.

ادامه از بیانیه جمعی از جوانان و دانشجویان سوسیالیست...

دموکراتیک و گاه با سرنوشتی آن حفظ می شود.

جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن سیاست جنگی-امنیتی در حقیقت جنگ ناخواسته ای را به مردم و کارگران ایران تحمیل می کند. به بهانه جنگ و با اعلام شعار «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» سعی در ایجاد تفرقه و به بیراهه کشیدن خواسته های مردم و جلوگیری از رشد روزافزون آگاهی طبقاتی در بین توده های زحمتکش مردم دارد.

ما به عنوان جمعی از دانشجویان و جوانان سوسیالیست در ایران با تبریک فرارسیدن اول ماه می، روز جهانی کارگر و با اعلام حمایت و همراهی با طبقه کارگر به جنگ و سیاست های جنگ طلبانه امپریالیستی نه می‌گوییم. در میانه سیاست‌های جنگی و سرکوبگرانه تحمیلی توسط جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری جهانی جنگ واقعی و طبقاتی در حال وقوع است. ما با اعلام همبستگی با کارگران و زحمتکشان ایران در این جنگ واقعی در کنار جنبش های اجتماعی در پیگیری خواسته های دموکراتیک خود و در کنار طبقه کارگر برای رسیدن به خواسته های دموکراتیک و سوسیالیستی ایستاده ایم. حاکمیت جمهوری اسلامی سعی دارد با تفرقه اندازی بین کارگران و از بین بردن اتحاد طبقاتی و انسجام تشکیلاتی آنها به بهانه جنگ در حقیقت به مصادره و تاراج دارایی های کارگران و زحمتکشان بدون هیچ اعتراض و حق طلبی از سوی این طبقه ادامه دهد. مبارزات کارگران در تمام نقاط ایران و مبارزات پیگیر معلمان و حق طلبی آنها جوابی جز سرکوب، بازداشت و آزار رهبران و فعالین این طبقه نداشته است. ما با تبریک فرا رسیدن روز جهانی کارگر به مخالفت با نظام سرمایه داری، سیاست های جنگی را وسیله ای برای به تعویق انداختن و سرکوب خواسته های مردم می دانیم. سیاست جنگی که بحران می آفریند راه را برای بر هم زدن قواعد بازی و نادیده گرفتن حقوق دموکراتیک توسط حکومت های سلطه طلب باز می گذارد.

ما همراه با کارگران در روز جهانی کارگر خواستار دستیابی ایشان به حقوق و مطالبات برحقشان هستیم و اعتقاد داریم که در نهایت صلح پایدار، رهایی و دستیابی به حقوق کارگران تنها با به زیر کشیدن نظام سرمایه داری ممکن است. بشر بر سر یک دوراهی خطیر است؛ یا سوسیالیسم، یا بربریت! و برای سوسیالیسم یک راه بیشتر وجود ندارد: کارگران جهان متحد شوید!

جمعی از جوانان و دانشجویان سوسیالیست ایران

معلمان مان را آزاد کنید!

نگاهی کوتاه به تاریخ روز جهانی کارگر

«خسرو صادقی»

سه نفر آنان لغو و چهار نفر دیگر در ۱۱ سپتامبر ۱۸۸۷ در زندان شیکاگو اعدام شدند. یک نفر نیز خودکشی کرد. شش سال بعد با تعویض فرماندار و بررسی اسناد و مدارک به دستور فرماندار جدید، بی پایه بودن احکام صادر شد سه نفر باقیمانده از زندان خلاصی یافتند. به این ترتیب جریان حقیقی این محاکمه فرمایشی روشن شد و قضات و شاهدان دروغین آن نیز رسوا شدند.

در سال ۱۸۸۸ «فدراسیون آمریکایی کار» که جایگزین «فدراسیون سندیکاهای صنعتی و تجاری» شده بود پیشنهاد کرد که با برپایی اعتصاب در هر سال از سوی یکی از فدراسیون ها، مبارزه برای دستیابی به ۸ ساعت کار پیگیری شود و برای اول ماه مه ۱۸۹۰ برای نخستین بار قرار شد که فدراسیون درودگران اعتصاب کنند و این اعتصاب تا دستیابی به ۸ ساعت کار ادامه یابد. اما تصمیم کنگره پاریس در سال ۱۸۸۹ راجع به تظاهرات بین‌المللی اول ماه مه، برنامه‌های این فدراسیون را به هم ریخت همه به تصمیم کنگره پاریس در مورد تظاهرات بین‌المللی در اول ماه مه این میان فدراسیون ها به هم خورد زیرا رهبری آن می‌کوشید سندیکاهای آمریکایی را از جنبش سوسیالیستی جدا نگاه دارد. اما اول ماه مه به عنوان جشن جهانی کار برای تمامی کارگران ماندگار شد. اول ماه مه مطالبه هشت ساعت کار روزانه را مطرح کرد، اما پس از آن که این هدف تحقق یافت، اول ماه مه به دست فراموشی سپرده نشد.

مادامی که مبارزه کارگران بر ضد سرمایه داری ادامه دارد، مادامی که همه مطالبات کارگران برآورده نشده است و زحمت کشان جهان از این یوغ بردگی رها نشده اند، اول ماه مه نمایش سالانه ای از این خواست و مطالبات خواهد بود و هنگامی که روزهای بهتری فرارسد و آن هنگام که طبقه کارگر در سرتاسر جهان از قید ستم و خودکامگی رها و سرنوشت خود را به دست گیرد آن وقت نیز بشریت اول ماه مه را به یاد و خاطره و احترام به مبارزات سخت و فرساینده و بسیاری دردها و رنجهای زحمتکشان جشن خواهد گرفت.

قرن نوزده آغازی برای حرکت‌های کارگری بود. در دهه ۱۸۸۰ اعتصابات فراوانی در کشورهای صنعتی از قبیل فرانسه، آمریکا، بلژیک، انگلستان و حتی روسیه صورت گرفت. یکی از مهمترین خواسته های کارگران کاهش ساعات کار به ۸ ساعت در روز بود. در پی این تلاشها در برخی کشورها مانند دانمارک، اتریش و آلمان بعضی قوانین نسبتا پیشرفته در آن زمان تصویب شد. اما در آمریکا علیرغم تلاشهای سازمانهای کارگری و محدود شدن ساعات کار به ۸ ساعت در بعضی از ایالات به صورت رسمی کارفرمایان عملا به میزان همان ساعات قبلی از کارگران کار می خواستند. در پی این محرومیت، فدراسیون سندیکاهای صنعتی و تجاری در طی کنگره ۱۸۸۴، انجام حرکتی عمومی به منظور دستیابی به ۸ ساعت کار روزانه را تصویب کرد. تاریخ آن حرکت روز اول ماه مه ۱۸۸۶ اعلام شد.

آنچه در این حرکت اهمیت داشت تحرک سازمان یافته جنبش یاد شده بود که واکنشی نسبت به فشارهای مختلف روزمره کارفرمایان تلقی می شد. برای این حرکت حدود ۱۸ ماه اندیشه و تدارک شده بود. تقریبا تمام تشکلهای کارگری، اعم از سازمانهای کارگری، شوالیه های کار، سازمانهای سوسیالیستی و حتی آنارشیستها نیز این پیشنهاد را پذیرفتند. به طور علنی به کارفرمایان اعلام شد که اعتصاب آن روز برای تقلیل ساعات کار روزانه است و کارفرمایان تا روز موعود(یعنی روز اول ماه مه ۱۸۸۶) فرصت کافی برای تقلیل ساعات کار در روز را داشتند اما کارفرمایان به طور کلی از مذاکره با سندیکاها خودداری کردند.

سرانجام در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ در سرتاسر ایالات متحده آمریکا ۵۰۰۰ اعتصاب با شرکت ۳۵۰ هزار کارگر شروع شد. در روز اول ماه مه پلیس در میلواکی به سوی اعتصاب کنندگان آتش گشود و ۹ نفر از کارگران را به قتل رساند. در روز سوم ماه مه در شیکاگو پلیس خصوصی با تیراندازی به طرف اعتصاب کنندگان ۶ نفر دیگر را به قتل رسانید. در تظاهرات آرام فردای آن روز زمانی که در پایان تظاهرات پلیس به تظاهرکنندگان یورش برد بمبی منفجر شد و بر اثر آن ۸ پلیس کشته شدند. این برخورد مستمسکی برای سرکوب حرکت عدالتخواهانه کارگران شد و در سرتاسر آمریکا دولت فعالان کارگری را دستگیر کرد. کارفرمایان نیز با اخراج جمعی کارگران و استخدام کارگران جدید به دلیل بیکاری شدید، ضربه دیگری به کارگران وارد کردند.

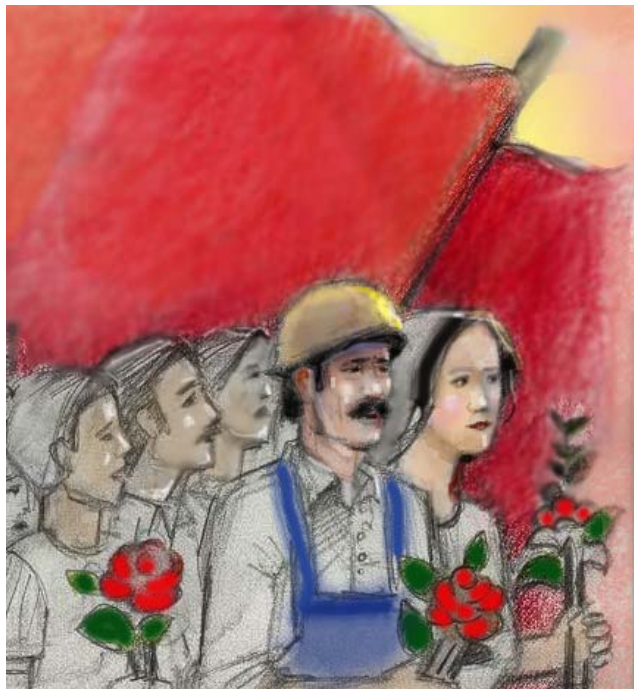
دولت واقعه انفجار بمب را یک توطئه دانست و شب بعد از واقعه ۱۸ نفر را دستگیر کرد و طی دادگاهی بدون آنکه جرم آنان اثبات شود، همه به اعدام محکوم شدند.

با اعتراض دیگر سازمانهای کارگری به این حکم در پایان حکم اعدام

مراسم گرامیداشت روز جهانی کارگر، اول ماه مه، از سوی هیئت موسس سندیکاهای کارگری و سندیکای کارگران شرکت واحد در تاریخ یازدهم اردیبهشت از ساعت ۴ تا ۸ بعد از ظهر در محل تالار باختر واقع در خیابان کارگر، ۲۰۰ متر پایین تر از میدان انقلاب، نرسیده به خیابان جمهوری - ضلع غربی خیابان کارگر برگزار می شود حضور برای عموم علاقه مندان به گرامی داشت روز کارگر آزاد است.

هیئت موسس سندیکاهای کارگری

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه



ادامه از صفحه ۷

سوسیالیسم تنها راه اداره جوامع انسانهای متمدن امروزی است. انسان امروزی چه کار فکری بکند و چه کار بدنی، چه دارای رفاه باشد و چه در فقر و محرومیت زندگی کند شایستگی زندگی در جامعه ای انسانی تر از جامعه سرمایه داری را داراست. زندگی در جامعه سرمایه داری زبیده انسان امروزین نیست. نظام سرمایه داری که برای برآورده ساختن حقیرترین و بی ارزش ترین آرزو های فردی خود حاضر است هر دم انسان های دیگر را قربانی سازد و در هر لحظه آتش جنگی ویرانگر را در هر نقطه از جهان برافروزد، باید ناپود شود و جای آن را در سراسر جهان نظامی بگیرد که هدفش سعادت، بهروزی و صلح برای بشریت باشد. به گفته متفکران انسان دوست معاصر: سوسیالیسم یا بربریت. راه دیگری وجود ندارد.

جنگی در پیش است

«بر تولا برشت»

جنگی در پیش است که اولین نبوده است

آخرین نیز نیست

اما اگر جنگ آخر فرا رسد

بیچارگان سرزمین مغلوب همان قدر گرسنگی می کشند

که فرودستان سرزمین فاتح!!

درس تاریخ

«م.امید»

عاقبت حال جهان طور دگر خواهد شد

زبر و زیر یقین زیر و زبر خواهد شد

این شب تیره اگر روز قیامت باشد

آخرا لمر به هر حال سحر خواهد شد

درس تاریخ به من مژده جانبخشی داد

زور از بازوی سرمایه بدر خواهد شد

دشمنان گر چه به جدیت و جهند ولی

جهد و جدیت این قوم به در خواهد شد

آید آنروز که ما نیز به مقصود رسیم

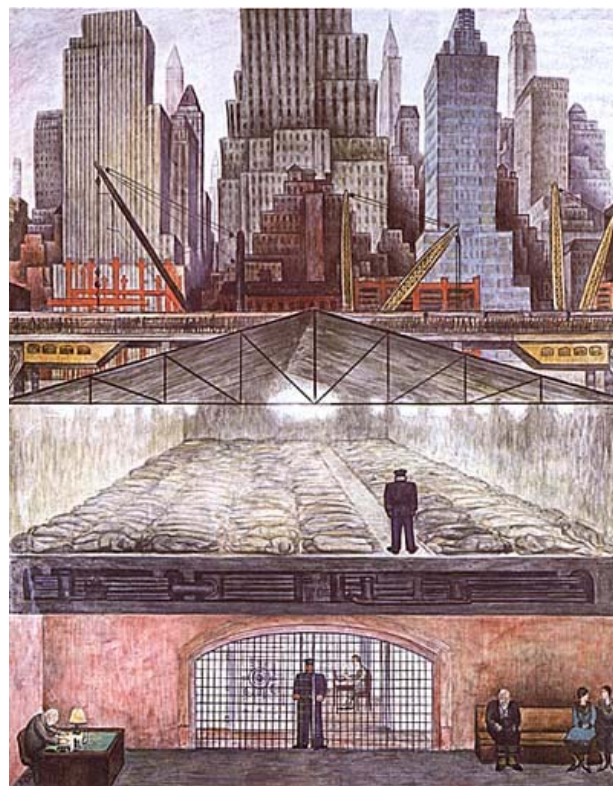
وین خبر در همه آفاق سمر خواهد شد

نان درویش اگر از خون دل و اشک ترست

دشمنش غرقه به خوناب جگر خواهد شد

گوید امید، سر از باده پیروزی گرم

رنجبر مظهر آمال بشر خواهد شد.



چپ و کار فکری

«شاهین درویش»

و بهروزی آحاد جامعه، بلکه در خدمت ارضای هوسهای لوکس و زیاده طلبانه معدودی سرمایه داران مرفه و بستگان آنان قرار می‌گیرد، در رنجند.

برای انسان متفکر بسیار مهم است که بداند برای چه کس و کسانی و با چه هدفی کار میکند. و حاصل تلاش او در خدمت چه افرادی قرار می‌گیرد. به طور مثال مهندسی که مشاهده می‌کند حاصل کار و تلاش او صرف عیاشی و ارضای شهوات افسار گسیخته و سیری ناپذیر سهامدارانی می‌شود که هیچ آرمان یا دغدغه معنوی در رابطه با بهبود زندگی هموعانشان ندارند. و در همان حال شاهد وضعیت زندگی فلاکت بار میلیونها انسان زحمتکش که از داشتن ابتدایی ترین ضروریات زندگی خود محرومند، مسلماً عذاب می‌کشد و از کار و شرایط زندگی خود احساس رضایت نمی‌کند.

انسان اندیشمند از کار برای سیستمی که اهداف و رسالت‌های آن مورد پذیرش او نباشد احساس سرخوردگی میکند و دچار مشکلات روحی و روانی میگردد. هم از اینروست که بسیاری از کارکنان فکری جامعه سرمایه‌داری با وجود داشتن زندگی مرفه، به دلیل همین مشکلات روحی و امثال آن به انواع و اقسام مسکن‌های موقتی و مخدرات مثل سیگار، مشروب، افیون و داروهای آرامبخش پناه می‌برند.

جامعه سرمایه‌داری جز برای آنان که رفاه دارند و به هیچ آرمان انسانی هم اندیشه نمی‌کنند، رضایت فراهم نمی‌کند. تنها انسانی می‌تواند در جامعه سرمایه‌داری آسوده زندگی کند که فلسفه زندگی او بی‌خبری و لذت بردن باشد و علاوه بر آن به هر دلیلی امکانات لذت بردن هم برای او فراهم باشد. از اینروست که در جامعه سرمایه‌داری به اشکال مختلف، پنهان و آشکار انواع و اقسام فلسفه‌های لذت جویی یا هودونیسیم تبلیغ و ترویج می‌شود. ناگفته نماند که برخی از انواع تفکرات مذهبی که انسان را دچار توهمات می‌سازند و او را از عالم واقعی دور می‌سازند و لذت معنوی کاذبی ناشی از ذکر گویی و عبادت دائمی برای او فراهم می‌سازند را نیز باید در همین مقوله گنجانند.

سوسیالیسم اما حس هم نوع دوستی را در انسان پرورش می‌دهد و او را نسبت به سرنوشت بشریت حساس، علاقمند و مسئول می‌سازد. در جامعه سوسیالیستی انسان تنها برای ارضای نیازهای مادی خود کار نمی‌کند. بلکه برای آن کار می‌کند که علاوه بر نیازهای مادی، نیازهای معنوی خود را نیز مرتفع سازد. جایگاه اجتماعی انسان و سلسله مراتب مدیریتی و سازمانی نه بر اساس میزان دارائی و یا خصوصیات منفی مثل توان تملق گویی و غیره بدون در نظر گرفتن صلاحیت‌های فردی و شخصیتی بلکه بر پایه شایستگی‌های فردی هم از لحاظ کارایی حرفه‌ای و هم از نقطه نظر صلاحیت‌های اخلاقی، ارزشی و اجتماعی تعیین می‌گردد.

ادامه در صفحه ۶

بزرگترین خدمتی که علم مدیریت در قرن بیستم به اربابان خود کرد، افزایش پنجاه برابری در بهره‌وری نیروی کار یدی در فرآیند تولید بود. پیتر. اف. دراگر از تئورسین‌های علم مدیریت ضمن اشاره به مطلب فوق اذعان می‌دارد که مهمترین خدمتی که علم مدیریت در قرن بیست و یکم باید بکند اینست که به شکل مشابهی بهره‌وری کار فکری و کارکنان فکری را افزایش دهد.

اگر خواسته باشیم مطلب مذکور را به زبان و ادبیات چپ بازگو کنیم، باید بگوییم سرمایه‌داری با انواع تمهیدات و لطایف الحیل استثمار کارگران کار بدنی را تا کنون تشدید کرده است و حالا قصد دارد انواع و اقسام حيله‌ها را بیابد و بیاماید تا به شدیدترین وجه ممکن کارکنان فکری را استثمار کند.

از اینروست که در قرن بیست و یکم همچنان که شاهد آنیم اهمیت کار فکری و کارکنان فکری به مراتب بیش از قرون پیشین برجسته می‌گردد. سرمایه‌داران به استثمار شدیدتری می‌اندیشند که بیش از آنکه نتیجه کار بدنی و تولید صرفاً مکانیکی باشد، نتیجه تلاش و صرف انرژی هدفمند کارکنان فکری یعنی دانشمندان، مهندسان، تکنسین‌ها، پزشکان، هنرمندان، کارشناسان متخصص در رشته‌های مختلف می‌باشد.

استثمار کار فکری نه با جمع کردن ارزش اضافی تک تک کارگران یدی در طی روزها و سالها، بلکه ممکن است یک شبه سرمایه‌داران را به سودهای نجومی و هنگفت برساند. خلاقیت در اختراع کالاهای جدید، ابتکار در بهینه‌سازی فرآیند تولید و نوآوری در راههای کسب ارزش افزوده همه نتایج فعالیت‌های فکری مزدکاران یا همان کارکنان فکری جامعه است که کار خود را در قبال دریافت مزد به سرمایه‌داران می‌فروشند.

راست است که کارکنان فکری معمولاً از رفاه نسبی بیشتری نسبت به کارگران بدنی برخوردارند. ولی واقعیت اینست که همچنان و به شکل حادثر و شدیدتری در معرض استثمار سرمایه‌داران قرار دارند. حال ممکن است این سؤال پیش آید که اگر کارکنان فکری دارای رفاه و زندگی خوبی هستند پس اشکال مسئله کجاست؟ آیا آنها می‌توانند معترض وضعیت موجود باشند؟ پاسخ اینست که در وهله نخست بسیاری از کارکنان فکری جز نخبه‌ترین آنها که تا حدی دارای قدرت نبوغ و خلاقیت باشند، بقیه زندگی راحت و آسوده‌ای ندارند و در جامعه سرمایه‌داری دائماً در معرض انواع و اقسام نا بسامانیهای شغلی و معیشتی و در نتیجه آن اضطراب دائمی برای تامین زندگی قرار دارند. علاوه بر آن آنان نیز که رفاه نسبی بیشتری دارند چون انسانهای متفکری هستند دائماً درباره نتیجه کار خود از خویشتن پرسش می‌کنند و از اینکه می‌بینند حاصل کار آنان نه در جهت رفاه

گزارشی از گلگشت کارگری آبشار خور

«مزدک»

مراسم گلگشت کارگری خور در روز جمعه ۷ اردیبهشت امسال مطابق سنت هر ساله با حضور جمع کثیری از کارگران سایپا و ایران خودرو همچنين اتوبوسرانی و ديگر کارگران و فعالين حقوق کودک و فعالين کارگری در فضایی شادمانه و همراه با سرور برگزار شد. در این مراسم همچنين انجمن هایی مرتبط با کار کودکان، از جمله انجمن های کودکان کار پاسگاه نعمت آباد، کانون جهانی شایسته و خانه کودک نیز حضور داشتند. بیش از ۵۰ اتوبوس و تعداد زیادی ماشین سواری قبل از ساعت ۹ در محل آبشار خور پارک شده و با هماهنگی برگزار کنندگان اسکان یافتند. در ابتدای مراسم نیروی انتظامی با ممانعت از حرکت اتوبوسها و بستن جاده خواستار برچیده شدن پلاکاردها و همچنين عدم فیلمبرداری و عکسبرداری از مراسم شد که بعد از مذاکراتی توسط برگزار کنندگان، نیروی انتظامی در مقابل خواسته های کارگران عقب نشینی کرد و دست از کارشکنی های خود برداشت و نظاره گر مراسم شد. کارگران با اعلام اینکه مراسم هر سال به مناسبت اول ماه می برگزار می شود و ماهیت کارگری داشته و در حقیقت جشن خانواده های کارگران می باشد خواستار آن شدند که نیروهای امنیتی با سختگیری های خود راه را برای استفاده تبلیغی گروه های بی هویت از این مراسم باز نکنند.

مراسم قبل از ظهر با بازی کودکان، طناب کشی و رقص و پایکوبی همراه بود. گروههای مختلف با استفاده از فضای کارگری موجود به پخش بیانیه های مختلف خود و تبلیغ خود در میان کارگران مبادرت کردند که به علت فضای پلیسی برگزار کنندگان مراسم و کارگران خواستار عدم پخش بیانیه ها و جلوگیری از درگیری پلیس با جمعیت حاضر شدند. در این میان نشریه وزین «راه آینده»، ویژه نامه روز جهانی کارگر خود را در معرض دید علاقمندان قرار داد که بعد از مدتی با اخطار نیروهای امنیتی روبرو شد. با اعتراض هیات تحریریه نشریه مجوز دار «راه آینده» و علی رغم میل باطنی، برای جلوگیری از تنش هیات تحریریه تصمیم به عدم پخش عمومی نشریه گرفت.

در این میان بحث های کارگری در گوشه گوشه جمعیت در حال انجام بود و کارگران در حین جشن گرفتن روز جهانی کارگر و تشریح مسائل خود به همفکری با یکدیگر می پرداختند. منصور اسانلو در حین بحث و گفتگو در ارتباط با مشکلات سندیکا و مسائل کارگری مورد اخطار نیروهای امنیتی واقع شد که با بیان آنکه حرفهای خود را بارها تکرار کرده است و بر مطالبات خود و حقوق خود واقف است به ادامه صحبت پرداخت. همچنين یکی ديگر از اعضای سندیکای شرکت واحد به شعر خوانی برای جمع کارگران پرداخت. از ديگر چهره هایی که در این جمع حضور داشت ناصر زرافشان بود که بعد از اتمام محکومیت در جشن کارگران حضور پیدا کرد و به ایراد سخنانی

پرداخت. همچنين ۴ تن از کارگران نساجی کردستان در این مراسم حضور داشتند که ابتدا مورد بازداشت قرار گرفتند و پس از مدت کوتاهی آزاد شدند. در این میان جمعی از دانشجویان نیز با شرکت در این مراسم سعی در اعلام حمایت خود از جنبش طبقه کارگر کردند. حضور دانشجویانی از شمال کشور، خرم آباد، دانشگاه امیرکبیر و تهران در این میان مشخص بود و دانشجویان به پخش نشریات خود می پرداختند. تنی چند از کارگران با مورد سوال قرار دادن جریانات دانشجویی و کم و کیف، آن سوالاتی را در مورد جمعی از دانشجویان که با ظاهری متفاوت حضور داشتند پرسیدند و بارها مشاهده شد که کارگران با تعجب از ظاهر غیر عادی بعضی از دانشجویان که با سرهای تراشیده و سیگار به دست در حال چرخیدن در میان کارگران بودند به مشاهده آنها می پرداختند. این موضوع با یکی از دانشجویان امیرکبیر بعد از ظهر همان روز مطرح شد و او به نمایندگی بخشی از دانشجویان به تنوع دیدگاه های دانشجویان و یکدست نبودن دانشجویان اشاره کرد و به بیان تفاوت دیدگاه ها پرداخت. قابل ذکر است در این گردهم آیی نشریات خوشه، آفتابکاران و پیشرو هر کدام به نمایندگی همفکران خود و بخشی از بدنه دانشجویی به ارائه خود به کارگران پرداختند.

مراسم گلگشت کارگری آبشار خور امسال با حضور بیش از ۴ هزار نفر از کارگران و خانواده های آنان و فعالين کارگری و فعالين ديگر جنبش های اجتماعی در فضایی آکنده از صمیمیت و شادی برگزار شد و در ساعت ۴ پس از ظهر اتمام یافت.

سلام سوسیالیسم

وبلاگ «سلام سوسیالیسم» که توسط جمعی از سوسیالیستهای معتقد به مارکسیسم-لنینیسم راه اندازی شده است قرار است که در کنار انبوه رفقای فعال و متعهد ديگر در وبلاگ ها، سایت های خبری-تحلیلی و نشریات مترقی در راه رسیدن به سوسیالیسم و رهایی انسان گام بردارد. این وبلاگ از جمله فضایی است برای انتشار نوشته رفقای که تریبونی برای انتشار مطالب خود ندارند و یا به خاطر بعضی ملاحظات خواهان انتشار نوشته خود در وبلاگ و سایت شخصی خود نمی باشند. «سلام سوسیالیسم» در برگزیدن نوشته ها آزاد است و نوشته ها با نامی که در آن ذکر شده باشد منتشر می شوند. «سلام سوسیالیسم» همکاری و همیاری همه شما رفقای عزیز را غنیمت و مایه افتخار خود می داند.

استوار باد پیوند های انقلابی در سراسر جهان!

گسسته باد زنجیر ستم بر دست کارگران!

سلام سوسیالیسم!